

سازمان فضایی شهرهای ابواب البر دوره ایلخانی



عبدالحمید نقره‌کار*

محمدعلی کی‌نژاد**

آزیتا بلالی اسکویی***

تاریخ دریافت: ۹۱/۲/۲۶ تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۰/۲۶

چکیده

ساخت مجموعه‌های معماری و فضاهای مستقل شهری تحت عنوان ابواب البر - با الهام از اماکن مقدس، مشاهده قبور ائمه اطهار و سایر بزرگان دینی و عرفانی - و نیز مراکز آموزشی که در واقع ترکیبی از مجموعه‌های علمی و مذهبی‌اند، عمده‌ترین تحول در معماری و شهرسازی دوره ایلخانی می‌باشد. متأسفانه به سبب وقوع حوادث طبیعی و غیرطبیعی بسیار در طول زمان، دسترسی به این شهرها و مطالعه مستقیم آن‌ها به راحتی میسر نیست؛ از این رو، برای بررسی این شهرها و تعیین نحوه ساختار آن‌ها، ناگزیر باید به منابع مکتوب - کتاب‌ها، نسخ و متون ارزشمندی که می‌توان تاریخ گمشده معماری و شهرسازی را از لابه‌لای سطور آن‌ها به دست آورد - رجوع کرد. نوشتار حاضر، به بررسی ویژگی‌های معماری و شهرسازی مجموعه‌های غازانیه، ربع رشیدی و سلطانیه به عنوان نمونه‌هایی از شهرهای ابواب البر ایلخانی می‌پردازد. روش این تحقیق تفسیری - تاریخی مبتنی بر دقت در مطالب و نکات موجود در متون تاریخی است و رهیافت راهبردی آن بر روش اکتشافی استوار است.

کلیدواژه‌ها

شعب غازان، ربع رشیدی، سلطانیه، مجموعه‌های ابواب البر، سازمان فضایی شهر.

پرسش‌های پژوهش

۱. اسناد تاریخی در زمینه شهرهای ابواب البر چه نوشته‌اند؟
۲. ساختار شهرهای ابواب البر چگونه بوده است؟

مقدمه

یکی از تحولات عمده‌ای که در دوره ایلخانی خود را کم‌کم نمایان ساخت، پررنگ شدن دین و مسائل مذهبی در میان حاکمان ایلخانی بود تا حدی که افرادی چون غازان خان دین خود را به اسلام تغییر دادند. در عرصه‌های معماری و شهرسازی، دگرگونی‌ها و پیشرفت‌های عمده‌ای صورت گرفت. چنین تغییر و تحولاتی، پس از ورود اسلام به ایران بی‌سابقه بود.

یکی از تحولات مهم، ظهور مجموعه‌هایی به نام ابواب البر بود. ابواب البر از نظر لغوی به معنای درهای نیکوکاری و رحمت است و در اصطلاح به مجموعه‌هایی گفته می‌شود که حکام برای رضای خداوند و طلب دعای مؤمنان به صورت موقوفاتی به وجود می‌آورند. در هسته این مجموعه‌ها، مجموعه مقبره خود واقف قرار داشت و اماکن و ابنیه دیگر در اطراف آن و در تعامل با آن شکل می‌گرفتند. (همدانی ۱۳۶۸، ۴۳؛ همان ۱۳۶۸، ۲۰۸)

آغاز ساخت چنین مجموعه‌هایی را که اولین نمونه آن، شنب غازان است، می‌توان به غازان خان نسبت داد. پس از اسلام آوردن غازان خان و با در نظر گرفتن قوانین مذهبی مغولان در مورد دفن مردگان، وی اولین ایلخانی بود که برای خود، مقبره ساخت. ایده اولیه احداث این مجموعه‌ها، ایجاد اماکن عام المنفعه برای مردم بود تا همان‌طور که از اسمش پیداست، آثار متأخر این باقیات در آن دنیا باب‌های بری برای سازندگان و واقفانشان باشد. (کی‌نژاد و اسکویی ۱۳۹۰، ۱۲۲)

در متون تاریخی به وفور از احداث ابواب البرها یاد شده است که از آن جمله می‌توان به مجموعه مزار شیخ عبدالصمد، تربت شیخ جام، مدرسه - مقبره رکن‌الدین، شنب غازان، ربع رشیدی و سلطانیه اشاره کرد. سه مورد شنب غازان، ربع رشیدی و سلطانیه از نظر وسعت - ابواب البر در وسعت یک شهر - و فلسفه احداث، قابل تأمل و توجه است. مجموعه‌های ابواب البر به عنوان هسته اصلی شهر و مهم‌ترین عامل شکل‌دهنده آن و تجلی عینی نظام سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و شهرسازی ایلخانی محسوب می‌شوند. آشنایی با این مجموعه‌ها برای دستیابی به سازمان فضایی شهر ایلخانی که در حال‌های از ابهام است، ضرورت دارد.

«دونالد ویلبر»، «شیلا بلر»، «برگیت هافمن»، «جواد شکاری نیری» و «احمد سعیدنیا» در این زمینه، تلاش‌های بسیاری انجام داده‌اند، اما وجود نداشتن آثاری از آن‌ها و به تبع آن، عدم امکان مطالعات میدانی، دامنه پژوهش در زمینه شهر ایلخانی را تنگ و امکان دستیابی سریع به اسرار این شهرها را دشوار کرده است. همه این عوامل، سبب شده که تا به امروز، طرح و نقشه دقیقی از سازمان فضایی آن‌ها موجود نباشد.

خوشبختانه منابعی وجود دارد که می‌توانند در این راه به ما کمک کنند. این راهنماها در واقع، همان کتاب‌های تاریخی و اسنادی مربوط به این دوره‌اند که در نوع خود، منحصر به فردند. از آن جمله می‌توان کتاب‌هایی از قبیل تاریخ مبارک غازانی، تاریخ اولجایتو، جامع التواریخ رشیدی، مکاتبات رشیدی، وقف‌نامه ربع رشیدی و... را نام برد که هر کدام، هر چند جزئی و به صورت غیر مستقیم، ولی به هر حال، بخشی از فضاهای این شهرها را به تصویر کشیده‌اند. هدف این تحقیق، شناسایی ساختار کالبدی و اکتشاف سازمان فضایی شهرهای ابواب البر ایلخانی است. ارائه طرح فرضی بر اساس متون تاریخی در مورد این شهرها می‌تواند راهگشای تحقیقات بعدی باشد. هدف، نه بررسی صرفاً تاریخی، بلکه ایجاد ارتباطی ذهنی بین واقعیت‌های تاریخی این شهرها و فرم کالبدی‌شان است. راهبرد تحقیق، تفسیری تاریخی است، زیرا بر مدارک اسنادی یا منابع نوشتاری استوار می‌باشد و سؤال تحقیق به مکان و شرایطی

می‌پردازد که مربوط به گذشته است. روش این تحقیق، مبتنی بر دقت در مطالب و نکات موجود در متون تاریخی و در واقع، روش تحلیل محتواست و رهیافت راهبردی آن بر روش اکتشافی استوار است. تحقیق بر این فرضیه استوار است که تصویر شهرهای ابواب البر را می‌توان بر مبنای اسناد تاریخی بازسازی کرد. این فرضیه بر پایه فرضیه‌های زیر استوار است:

۱. در مواردی چون شنب غازان، ربع رشیدی و سلطانیه که نشان کالبدی چندانی از اصل اثر معماری و شهر در دست نیست، متون تاریخی، مهم‌ترین مرجع شناسایی و بازسازی تصویری اثر است.
۲. متون تاریخی این دوره و وقف‌نامه‌ها سندی قابل اعتماد در وصف کل و جزء ابواب البرها هستند.
۳. شهرسازی در دوره ایلخانی در امتداد سنت شهرسازی در ایران است. نوآوری‌های شهری در آن دوره نیز در همان امتداد، قابل بررسی است.

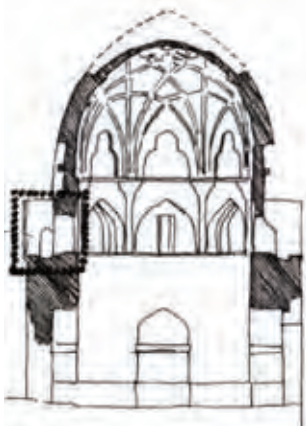
۱. شهرهای ابواب البر

۱-۱. شنب غازان^۱ سرآغاز پدیده ابواب البر در شهرسازی

با استقرار ایلخانیان در ایران و تثبیت قدرت آنان، شهرهای ابواب البر با عملکرد و هسته مذهبی که همان مقبره بانی بود، شکل گرفتند. از سویی، برای تلفیق هرچه بیشتر کاربری‌های جانبی با این هسته و تقویت هر دو، فضاهای موقوفاتی در اطراف آن شکل گرفت. در نهایت، عملکرد مذهبی با دیگر عملکردها و به‌خصوص عملکرد آموزشی تلفیق گردید. خواجه رشیدالدین در تاریخ مبارک غازانی، فلسفه احداث ابواب البر را از زبان غازان خان چنین بیان می‌دارد: «... باید که شعار ما نیز بر طریق اسلامیان باشد خصوصاً چون رسوم اسلامی بسیار بهتر از آن عادات است و در اوایل حال در خراسان به زیارت مشهد مقدس توس علی ساکنه السلم و تربت سلطان بایزید و ابوالحسن خرقانی و شیخ ابوسعید ابوالخیر و دیگر اولیای آنجا روح الله رمسمه رفته بود و تربت‌های آن بقاع و احوال مجاوران آن مشاهده کرده و بعد از آن چون مسلمان شد، زیارت مشهد مقدس امیر المؤمنین علی علیه السلام و دیگر مشاهده و مزار اولیای بغداد قدس الله ارواحهم دریافت و روی فرمود که کسی که برین وجه مرده باشد، مشهد و مزار او برین گونه بود، او را چگونه از مردگان توان شمرد. این مردن بهتر از زندگانی دیگران است و هر چند ما را مرتبه صلحا نیست، لیکن از راه تشبه به ایشان ابواب البری ساختن که جای آخرت ما باشد و بدان واسطه خیری و صدقه‌ای جاری گردد تا به برکات آن، رحمت خدای تعالی دستگیری نماید و ثوابی دائمی مدخر گردد و به غایت نیکو بود و درین وقت که حق تعالی قدرت داده، آغاز کنیم تا باشد که به یمن توفیق تمام گردد و چون دارالملک تبریز بود آنجا اختیار فرمود و خارج شهر در جانب غربی در موضع شنب خویشتن طرح کشیده آن را بنیاد نهاد و این زمان چند سال است تا به عمارت آن مشغول‌اند و از گنبد سلطان سنجر سلجوق به مرو که معظم‌ترین عمارات عالم است و دیده بود بسیار با عظمت‌تر بنیاد از آن نهاده و هیئت و طرح آن بقاع و کیفیت مصارف آن خیرات برین موجب است که اثبات می‌یابد و مفصل می‌گردد». (همدانی، ۱۳۶۸، ۲۰۸)

در تاریخ مبارک غازانی، درباره اقدامات غازان خان در شنب غازان اشاره به طرح اولیه شده است. (همان‌جا) البته مقصود از طرح، طرح گنبد عالی یا مدفن غازان خان است. از این روایت به طور قیاس می‌توان ادعا کرد که کلیه ابنیه شهر غازانی، دارای طرحی از پیش فراهم شده بود که هر کدام، از طرح کلی شهر تبعیت می‌کرده‌اند. این طرح کلی را می‌توان هسته مرکزی شهر دانست که بنا به گفته خواجه رشیدالدین در تاریخ مبارک غازانی، از گنبد عالی، مسجد جامع، مدارس، خانقاه، دارالسیاده، رصدخانه، دارالشفاء، بیت‌الکتب، بیت‌القانون، بیت‌المتولی، حوض‌خانه و گرمابه تشکیل یافته بود. این مجموعه را کوشک عادلیه که نزدیک بقعه یا گنبد عالی بوده و در زمان ارغون ساخته شده بود، تکمیل می‌نمود. این کوشک بعدها به محل پذیرایی زائرین بقعه غازان خان اختصاص داده شده بود. (کی‌نژاد و اسکویی، ۱۳۹۰، ۱۲۷)

حاج خلیفه، کاتب چلبی که به سال ۱۰۴۰ هـ ق / ۱۶۳۵ م به همراه سپاه عثمانی به تبریز آمده، شنب غازان را چنین توصیف کرده است: «بناهای عظیم شام غازان مانند قلعه در میان باغچه‌ها از مسافت دور به نظر می‌رسد. سمت

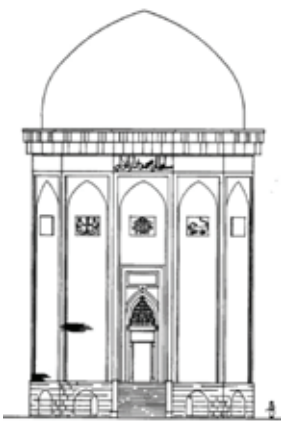


تصویر (۱): مقبره سلطان سنجر - ترسیم نگارندگان

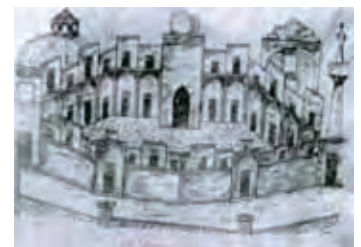
مطالعه معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲ - پاییز و زمستان ۹۱

۴۹



تصویر (۲): طرح فرضی مقبره غازان خان
(ویلبر، ۱۳۶۵، ۲۷)

تصویر (۳): بنای غازان خان (فضل الله همدانی
۱۹۷۵، ضمایم)

باختر و شمال و جنوب تپه مزبور جلگه وسیعی قرار گرفته که به دریاچه ارومیه منتهی می‌شود و تمام آب‌هایش بدان سمت جاری است^۳ و در همه جا خانه‌ها منقش و باشکوه و باغچه‌های ظریف صفا بخش و خلدآسا و در هر طرف گلزارها و باغ‌های پر درخت و در گوشه آب‌های روان و نشیمن‌های فراوان وجود دارد. کثرت وسعت باغچه‌ها به اندازه‌ای است که سپاهیان بی‌شمار آل عثمان سه روز به بریدن درختان آن پرداختند، ولی نتوانستند عشر آن را قطع کنند و در موقع کوچ باز سواد درختان مثل اول دیده می‌شد...» (جوادی ۱۳۵۰، ۱۱۸)

ابن بطوطه، سیاح معروف که در زمان ابوسعید از شنب غازان دیدن کرده، نوشته است: «پس از ده روز راه‌پیمایی به شهر تبریز رسیدیم و در خارج شهر در محلی موسوم به شام منزل کردیم - قبر غازان در این محل است، بر سر قبر او مدرسه زیبایی با زاویه‌ای بنا کرده‌اند و در این زاویه برای صادر و وارد طعام داده می‌شود... امیر مرا در همین زاویه که در میان آب‌های روان و درختان سرسبز قرار گرفته منزل داد». (ابن بطوطه ۱۳۵۹، ۲۵۳)

شنب غازان که بهتر است به صورت شهرکی در کنار شهر تبریز مورد قبول واقع شود، از طریق دروازه بغداد (نام یکی از دروازه‌های اواخر قرن هفتم تبریز) با شهر تبریز در ارتباط بوده است. ابن بطوطه در این باره نوشته است: «فردای آن روز از دروازه بغداد به شهر تبریز وارد شدیم» (همان‌جا) و «غازان خان در پشت این حصار (و دروازه بغداد) در منطقه‌ای به نام شنب، دستور ساختن محله‌ای وسیع داده...». (کیانی ۱۳۶۶، ۲۵۵)

نادر میرزا در سال ۱۲۵۸ هـ ق در توصیف گنبد عالی، به کاشی‌کاری عمارات دیگر شنب غازان اشاره دارد. سخنان وی، گفتار چلبی در مورد خانه‌های منقش و باشکوه را تأیید می‌کند (قاجار ۱۳۷۳، ۱۰۱) کیانی بر اساس مطالعات خویش، و نوشته‌ها و اسناد تاریخی معتقد است که شنب غازان دارای حصار محکمی بوده که تا زمان صفویه نیز پابرجا مانده است. (کیانی ۱۳۶۶، ۵۴۱)

زمانی که بازرگانان و جهانگردان فرانسوی در سال ۱۰۴۶ هـ ق به ایران سفر کردند «از آن همه بنای زیبا که در شام غازان بوده، فقط برجی را دیده که میان دشت در سمت باختری تبریز قد علم کرده بود». شاردن، قریب سی و پنج سال پس از نخستین سفر تاورنیه به تبریز درباره بناهای شام غازان می‌نویسد: «غازان خان، پادشاه ایران که مقر فرمانروای اش تبریز بود، در همان جا به خاک سپرده شده است. هنوز هم مناره اعظم مخروبه مقبره او پابرجاست و آن را به نام وی، منار خان می‌گویند». (شاردن ۱۳۷۴، ۴۰۵)

این تخریب‌ها با ویرانی‌هایی که زلزله‌های متعدد به بار آورد، باعث شد که از شنب غازان جز مخروبه، چیز دیگری باقی نماند. شهری که نمونه بارز شیوه شهرسازی ایلخانی محسوب می‌شد، و با تفکر و اندیشه قبلی احداث شده بود. تمام سفرنامه‌ها و توضیحات، مؤید و مصدق چندین نکته‌اند که در اینجا به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

الف) در کاربری‌های شهری به تمامی نیازها توجه شده است.
ب) در عین تنوع فضایی و کاربری، به عنوان یک مجموعه کامل، تعامل اجزا با یکدیگر به عنوان یک کل منسجم مشهود است.

ج) با وجود اجزا و بناهای گوناگون، مقبره غازان خان، بارزترین بنا و عنصر مرکزی شنب غازان است.

د) طرح و نقشه شهر کاملاً فکر شده و از پیش فراهم شده است.

۱-۱-۱. آرایش فضاهای معماری مجموعه شنب غازان

رشیدالدین، طراحی گنبد را کار خود غازان خان ذکر می‌کند: «در خارج شهر در جانب غربی در موضع شنب، خویشتن طرح کشیده، آن را بنا نهاد». خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی بر اساس وقف‌نامه شنب غازان، فضاهای معماری آن را شرح داده است: «عمارت گنبد عالی و ابواب البر که در دوازده ضلع آن است و گوشه عادلیه که ارغون خان ساخته است، به موجب نص واقف که در وقفیه مبارکه مسطور است...». (همدانی ۱۳۷۳، ۱۳۷۵)

از این توصیف خواجه چنین استنباط می‌شود که هسته شهر به شکل یک دوازده ضلعی بوده که حول مقبره خود غازان خان شکل گرفته بود.

بر اساس نوشته‌های فضل‌الله همدانی در تاریخ مبارک غازانی (ص ۲۰۹-۲۱۴) - که مهم‌ترین منبع برای شناخت شنب غازان است و جامع التواریخ رشیدی (ص ۴۱۷-۴۲۲) متعلقات گنبد عالی و ابواب البری که در حوالی و پیرامون

گنبد قرار دارند، به شرح زیر است: ۱. مسجد جامع ۲. مدرسه شافعیه ۳. مدرسه حنفیه ۴. خانقاه ۵. دارالسیاده (برای پذیرایی از سادات) ۶. رصدخانه احدائی غازان خان مرکز آموزشی پژوهشی بوده است. ۷. دارالشفای ۸. بیت الکتب ۹. بیت القانون (جایی که قوانین اصلاح، تدوین و چاپ می‌شوند) ۱۰. بیت المتولی ۱۱. حوض‌خانه ۱۲. گرمابه سیبل.

ضمائم و فضاهای جانبی شنب غازان بر اساس کتب فوق عبارت‌اند از:
- از کوشک عادلیه، نام برده شده است که امرای مغول و کسانی که برای زیارت می‌آمدند، برای خوردن آش به این کوشک وارد می‌شدند.

- به مکتبی اشاره شده است که همواره صد یتیم در آنجا به یادگیری قرآن می‌پرداختند.
- به عظمت دارالشفای شنب اشاره شده که دارای طبیب و کحل بوده است.
- همچنین به اصلاح و هموار کردن معابر اشاره شده است، «راه‌ها از سنگ پاک کردن» و احداث پل بر روی جوی‌های تبریز تا هشت فرسنگی آن، «پل بر جوی‌ها بستن از شهر تبریز تا به مقدار هشت فرسنگ از حوالی و جوانب آن...» (همدانی ۱۹۵۷، ۹۳۴)

خواجه در ادامه نوشته‌هایش، پاره‌ای دیگر از ویژگی‌های شنب را چنین مطرح می‌کند:
- مردم باید آب را از حوض‌خانه با کوزه و سبو بردارند و نباید آب را به خانه‌های خود بکشند.
- در قسمت «مرسومات» اشاره شده است که در ولایت‌ها و جاهای دیگر از برای شنب غازان وقف‌هایی مقرر گردیده است.

- در قسمت «وجه» اشاره شده است که ابواب البر و کوشک عادلیه (که ارغون خان آن را ساخته بود)، در دوازده ضلع گنبد عالی قرار گرفته‌اند.

غازان خان در ساخت شنب غازان به نمونه ساخته‌های با اهمیت ادوار قبل نظر داشته است. رصدخانه (اقبال آشتیانی ۱۳۷۸، ۱۷۵) نیز یکی از آن نمونه‌هایی بوده که از نظر وی مخفی نمانده است. در جامع التواریخ، رصدخانه شنب غازان چنین شرح داده شده است: «شنبه پانزدهم رمضان رایت همایون به مراغه نزول فرمود و تمامت را به تائی تمام بدید و از کیفیت هر یک سؤال فرمود و با وجود مشکلی دقیق آن، اکثر فهم کرد و فرمود که در جنب گنبد عالی و ابواب البر شم، رصدی سازند مخصوص به چند عمل و کیفیت آن اعمال را به تقریری واضح بیان فرمود...» (همان، ۹۳۴)

۱-۲. سازمان فضایی شنب غازان

با استنباط از متون تاریخی، در مجموعه شنب غازان، گنبد و فضاهای پیرامونی آن، نقش هسته اصلی را داشته و سایر فضاها، پیرامون آن شکل گرفته‌اند. عناصر کالبدی شهر که نقش مهمی در شکل آن داشتند، به دو دسته هسته مرکزی و شهرستان قابل تقسیم‌اند. باغ‌های گسترش یافته در اطراف شهر نیز نقشی اساسی در توسعه آن داشته‌اند. همچنین محور «بازار غازانی»- ابن بطوطه در صفحه ۵۳ کتاب خویش، بازار غازان را به خوبی توصیف کرده است - که در امتداد دروازه بغداد بود در جایگیری و طراحی عناصر داخلی شنب مؤثر بوده است. (کی‌نژاد و اسکویی ۱۳۹۰، ۱۳۴)

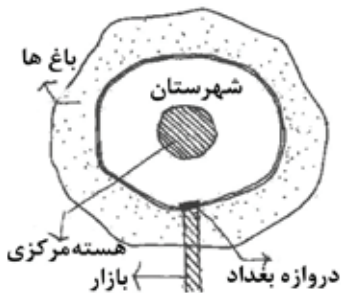
۱-۲. ربع رشیدی ابواب البری متعالی در شهرسازی ایلخانی

خواجه رشیدالدین که در زمان غازان خان در اوج اقتدار و قدرت بود، به پاس نعمتی که در اختیار داشت، دست به اقدامات سازنده‌ای زد که نمونه آن، شهری در آخر محله ششگلان تبریز که به محله باغ میشه و ولیان کوه منتهی می‌شود، در دامنه کوه سرخاب بود که ربع رشیدی نام گرفت. حمدالله مستوفی درباره این شهر می‌نویسد: «شهرچه‌ای بود در شمال شرقی تبریز در دامنه ولیان کوه که اکنون آن را کوه سرخاب گویند و رشیدالدین در آنجا عمارات فراوان و عالی برآورده و پسرش وزیر غیاث‌الدین بر آن عمارات بسیار افزوده». (مستوفی ۱۳۷۸، ۸۵-۸۶) بعضی از مورخان معاصر چون دونالد ویلبر، آن را به عنوان یک شهر دانشگاهی معرفی کرده‌اند. کلاویخو، جهانگرد اسپانیایی در سفرنامه خود، از آن به عنوان بزرگ‌ترین و عظیم‌ترین بنای زمان یاد کرده است. (کلاویخو ۱۳۶۶، ۷۳)

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲ - پاییز و زمستان ۹۱

۵۱



تصویر (۴): سازمان شهر شنب غازان
ترسیم نگارندگان



تصویر (۵): دروازهٔ ربع رشیدی، در دورهٔ قاجاریه، آرشيو مجتمع ربع رشیدی

شرح کاملی از این شهر فرهنگی از زبان رشیدالدین در نامه‌ای که به فرزندش خواجه سعدالدین نوشته، بیان کرده است: «پنجاه نفر طیب حاذق که از اقصای بلاد هند و مصر و چین و شام و دیگر ولایات آمده بودند، همهٔ آن‌ها را به صنوف رعایت و الوف عنایت مخصوص گردانیدیم و گفتیم که هر روز در دارالشفای ما تردد نمایند و پیش هر طیب، ده کس از طالب علمان مستعد نصب کردیم تا این فن شریف مشغول گردند و کحالان و جراحان و مجبران که دارالشفای ماست به قرب باغ رشیدآباد^۴ که آن را معالجهٔ معالجان خوانند، بنیاد فرمودیم». (همان، مکتوب ۵۱) چنان که از مفاد نامه نیز به خوبی معلوم می‌شود، ربع رشیدی، کتابخانهٔ بزرگی داشت (مشکور ۱۳۷۲، ۳۰۶) و کشت خیلی از گیاه‌ها در باغ‌های نمونهٔ آن مورد آزمایش قرار می‌گرفت. (کارنگ ۱۳۵۱، ۱۳۶۳) در این شهر مانند شنب غازان، ایجاد فضای سبز از نظر دور نمانده بود و باغ رشیدآباد که دارالشفای در قرب آن ساخته شده بود، نمونه‌ای از آن فضاها می‌باشد.

«ربع رشیدی که در زمان مفارقت و اوان مبادعت آن ۳ فرزند عزیز، طرح انداخته و تهیهٔ اسباب عمارت آن ساخته بودیم، اکنون به میامن قدوم علما و یمن همت فضلا به اتمام پیوست و بیست و چهار کاروانسرای رفیع که چون قصر خورنق منبع است و به رفعت بنا از قبهٔ مینا گذشته و هزار و پانصد دکان که در متانت بنیان از قبه حرمان، سبقت برده، و سی هزار خانه دلکش^۵ در او بنا کرده‌ایم و حمامات خوش هوا و بساتین باصفا و خوانیت و طراحین و کارخانه‌های شعربافی^۶ و کاغذسازی و دارالضرب و رنگ‌خانه و ... احداث و انشا رفته». (همدانی ۱۹۴۵م، مکتوب ۵۳)



تصویر (۷): طرح بازآفرینی ابواب البر رشیدی (هسته مرکزی یا ربع کی‌نژاد و بلالی اسکویی ۱۳۹۰، ۳۱۶)



تصویر (۶): طرح بازآفرینی ربع رشیدی (بلالی اسکویی و کی‌نژاد ۱۳۸۹، ۶۹)

این شهر از کوچه و محله‌های مختلف تشکیل یافته بود. هر محله یا کوچه به صنف یا طبقه‌ای اختصاص داشت. علما و دانشمندان، طلاب و دیگر پیروان علوم عقلی دارای محله‌ای خاص بودند. «از هر شهری و تفری جماعتی آوردیم و در ربع مذکور ساکن گردانیدیم؛ از جمله در دارالقرآن، دویست نفر حافظ قرآن و از علما و فقها و محدثان چهارصد نفر و از طالبان علم هزار نفر در آنجا مقیم ساختیم و برای همهٔ آنان، وجه معاش و مقرری معین...». (همدانی ۱۳۶۳، مکتوب ۵۳)

خانقاه، یکی از فضاهای اصلی کالبد و سازمان فضایی ربع رشیدی است که هم به لحاظ موقعیت جایگیری و هم به لحاظ فلسفهٔ قرارگیری‌اش در ربع رشیدی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده است. در تاریخ مبارک غازانی از ساختن خانقاه‌ها در کلیه شهرها سخن به میان آمده و با توجه به تصریح صاحب حبیب السیر که می‌گوید: «به موجب فرمان او در جمیع قری و قصبات ولایت عراقین و فارس و کرمان و آذربایجان... خوانق ساختند». (خواندمیر ۱۳۳۳، ۲۰۱/۳) از این سند و از تاریخ مبارک غازانی، رونق کار صوفیان در روزگار غازان خان به خوبی معلوم می‌شود: «و چون خانقاه و مدارس و مساجد و دیگر ابواب البر در هر موضعی می‌ساخت و اوقات معین می‌فرمود و وظایف و مشاهرات هر طایفه در نظر آورد و فرمود که چگونه است که از آن فقها و متصوفه و دیگر طوایف هست و از آن سادات نیست». (همدانی ۱۳۶۸، ۱۹۰) در صفوة الصفا از آمدن شیخ صفی‌الدین اردبیلی به تبریز و نزول او به خانقاه رشیدی یاد شده است. (ابن بزاز اردبیلی ۱۳۷۳، ۲۹۱) همچنین در صفحهٔ ۲۹۶ صفوة الصفا به خانقاه رشیدی اشاره شده است.

این شهر چون دیگر شهرهای سنتی ایران، جهت حفاظت دارای حصار بوده است. (کیانی ۱۳۶۶، ۵۴۶) متأسفانه این شهر در سال ۷۱۸ هجری در زمان ابوسعید و به دسیسهٔ تاج‌الدین علیشاه که از زمان اولجایتو در کار وزارت با



تصویر (۸): طرح بازآفرینی شهرستان رشیدی (کی نژاد واسکوئی، ۱۳۹۰، ۳۱۴)

خواجه رشیدالدین مشارکت داشت، ویران گردید. این واقعه را مینورسکی چنین آورده: «در ۷۱۷ هـ ق / ۱۳۱۷ م، زمان ابوسعید، رشیدالدین وزیر مستعفی به تبریز رفت، اما سال بعد برای روبه‌رو شدن با قضای محترم آنجا را ترک گفت، املاک او مصادره و ربع رشیدی تاراج گردید. (مینورسکی ۱۳۷۷، ۲۵)

نوشته‌های مورخان مختلف (شاردن ۱۳۷۴، ۴۷۶؛ حافظ ابرو ۱۳۵۱، ۲۳۱ و...) به حیات دوباره و توسعه ربع رشیدی بعد از وزارت خواجه غیاث‌الدین فرزند خواجه اشاره دارد که ساخت و سازهای جدید در فضاهایی که قبلاً باغ بودند و خواجه آن‌ها را برای برنامه توسعه آتی ربع رشیدی مد نظر قرار داده بود، اشاره دارد. البته این رونق در کنار حیات شهر شنب‌غازان و توسعه تبریز انجام گرفته است. در حقیقت، ربع رشیدی و شنب‌غازان چه در زمان ساخت و چه در ادوار بعد به صورت شهرک‌هایی در کنار شهر تبریز پدید آمده بودند. وجود این شهرک‌ها هرگز باعث بی‌رونقی شهر تبریز نشد، بلکه این شهر تبریز بود که به آن‌ها رونق می‌بخشید.

۱-۲-۱. سازمان فضایی شهر ربع رشیدی

پژوهش‌های انجام یافته در زمینه شهر ربع رشیدی، طرح آن را برگرفته از سازمان شهر ایرانی - اسلامی با پاره‌ای تفاوت و نوآوری‌های جدید، بیان کرده است. تا به امروز، الگوی سازمان فضایی این شهر، همچون شهر ایرانی ترکیبی از ربع، ربض و شهرستان و نوآوری نهفته در آن، جابجایی ربض و شهرستان در نظر گرفته شده است.^۷ با توجه به متون تاریخی و مهم‌تر از آن، بر اساس نوشته‌های وقف‌نامه و تقسیم‌بندی کلی فضاهای مجموعه ربع رشیدی توسط خواجه رشیدالدین، می‌توان به ارائه سازمان فضایی شهر به دو صورت زیر و یا تلفیقی از آن دو پرداخت: ۱. «ربع» و «شهرستان»: با مطالعه دقیق وقف‌نامه مشاهده می‌شود که تمامی فضاها تحت عنوان دو مجموعه کلی ربع و شهرستان دسته‌بندی و بیان شده‌اند.^۸ ربض در سازمان فضایی شهر ربع رشیدی جایگاه پیشین خود را نداشته و طبق نوشته‌های وقف‌نامه، زیرمجموعه‌ای از شهرستان و یا به بیان بهتر، محله‌ای از محله‌های شهرستان است که به قشر خاصی از مردم تعلق ندارد.^۹ - همچنان که متولی، مشرف و ناظر در ربض ساکن‌اند^{۱۰}، بسیاری از غلامان، بخش‌های مختلف ربع و باغات نیز در آن مسکن دارند^{۱۱} - ربض و شهرستان در این شهر با هم تلفیق شده‌اند. واژه‌های ربض بالا و ربض پایین نیز که در وقف‌نامه ذکر شده‌اند، صرفاً اشاره به دو محله دارد که یکی از نظر ارتفاع، در مکان بلندتری نسبت به دیگری قرار گرفته است.

۲. محور بازار و «ممر بزرگ» - در لغت‌نامه تاریخ جهانگشای جوینی، ممر به معنای گذرگاه و محل مرور آمده است - : ساختار این شهر از پیش طراحی شده و شطرنجی بوده است. از طرفی، اهمیت تجارت و بازرگانی در دولت ایلخانی سبب توجه بیشتر به دروازه‌ها، جهت قرارگیری و حتی افزایش تعداد آن‌ها در شهرها شد. قابل ذکر است تعداد دروازه‌ها در شهرهای ایلخانی حداقل چهار دروازه - نه صرفاً در جهات اصلی بلکه به سمت شهرهای مهم پیرامون و در راستای شکل‌گیری بازارهایی خطی - بوده است. در شهرهای شطرنجی، دروازه‌ها دو به دو - معمولاً به شکل عمود بر هم - به یکدیگر متصل، و سبب به وجود آمدن بافتی منظم و محورهای قوی سازمان‌دهنده در شهر می‌شدند.

در ربع رشیدی نیز شاهد حضور دو محور اصلی - امتداد محور دروازه‌های روم، عراق و محور دروازه‌های تبریز، مغان هستیم.^{۱۲} این محورها معیار قرارگیری سایر فضاهای شهری در اطراف خود هستند و بازار نیز در امتداد یکی از این محورها، کل شهر را از دروازه‌های تا دروازه دیگر می‌پیماید.^{۱۳}

هرچند که بازار، عنصری مهم در ربع رشیدی است، اما در سازمان فضایی شهر نتوانسته خود را آن‌چنان که شایسته است، به هسته مرکزی برساند، بلکه در تعاملی قوی با شهرستان به عنوان کانون فعالیت‌های اجتماعی مطرح است. همچون گذشته، محل تقاطع این دو محور به عنوان مکانی مهم در سازمان فضایی شهر مطرح می‌شود. با این تفاوت که هسته شهر نه در این مکان بلکه در مجاور آن - با عناصر روضه، خانقاه و دارالشفاء - حضور می‌یابد. در این شهر به هسته مرکزی (ربع) بیشتر پرداخته شده و در عین وجود کاربری‌های مختلف، این کل منسجم به خوبی با شهرستان تلفیق می‌شود. باغ‌ها - رشیدآباد^{۱۴}، اصلان^{۱۵} و فتح‌آباد^{۱۶} - نیز در اطراف شهر، به عنوان عناصری مهم و شکل‌دهنده، حضوری قوی داشته‌اند.

طرح کلی شهر «رشیدی»



۱. ربع رشیدی
۲. باغ رشید آباد
۳. باغ اصفهان
۴. باغ فتح آباد
۵. بازار
۶. ممر بزرگ
۷. حمام بالا
۸. محلی شهرستان
۹. کاغذخانه
۱۰. مسجد جامع شهرستان
۱۱. گازرگاه
۱۲. محله لطف آباد
۱۳. محلات زیر لطف آباد
۱۴. محله صالحیه
۱۵. ریش بالا
۱۶. ریش پایین
۱۷. محله عز آباد
۱۸. دروازه روم
۱۹. دروازه موغان
۲۰. دروازه سنبل
۲۱. دروازه عراق

تصویر (۹): سازمان فضایی ربع رشیدی ترسیم نگارندگان

ربع رشیدی، شهری با حصار در پیرامون بوده که با چهار دروازه به اطراف راه می‌یافت. «ربع» هسته مرکزی و اصلی شهر بوده که خود دارای بارو و ورودی جداگانه^{۱۷} در یکی از محورهای اصلی شهر و نزدیک محل تقاطع آن‌ها و دارای عملکردهای آموزشی، مذهبی و درمانی بوده است.^{۱۸} ربع انعکاسی کالبدی و ملموس از یک تفکر علمی - مذهبی بوده است.

«شهرستان» رشیدی از محله‌های مختلف، تشکیل یافته بود و عناصر مهم شهری مانند بازار، قیصریه، حمام‌ها، مساجد، کارخانه کاغذسازی، رنگ‌سازی، ضرابخانه و گازرگاه در آن قرار داشته‌اند.^{۱۹} ریش نیز محله‌ای از محله‌های شهرستان بوده است. بافت شهر دارای نظم هندسی بوده و به شکل بافت شطرنجی و پیرامون دو محور اصلی، طراحی شده بود. راه‌ها از منظر طراحی فضایی، در پیوندی استوار با فضاهای کالبدی مجاور بوده و ماهیت فضایی‌شان از فضاهای مزبور مستقل و جدا نبوده است. استقرار فضاها و فعالیت‌ها در شهر، تابع نظم و سلسله مراتب سنجیده شده بود و تمامی فضاها از لحاظ کارکردی، کالبد مناسبی را برای زندگی (بودن در محیط) فراهم کرده بودند. (کی‌نژاد و اسکویی ۱۳۸۹، ۷۱)

۱-۳. سلطانیه ابواب البری دیگر در شهرسازی ایلخانی

حافظ ابرو در ذیل جامع التواریخ، تحت عنوان «ذکر عمارت سلطانیه و بنای قلعه» از این چمن صحبت به میان آورده و گفته است: «یک روز سلطان اولجایتو نشست به بود و امرا و ارکان دولت حاضر بودند. فرمود یک روز، پیش پدر خود پادشاه ارغون که از پادشاهان گیتی به داد و عدل و دانش ممتاز بود، حاضر بودم. او را داعیه عمارت سلطانیه بر خاطر خطور کرده بود و فرمود: همچنان که من پادشاه جهانم، می‌خواهم شهری بنا کنم که آن شاه بلاد بود. جماعتی که حاضر بودند، بس موضع نام بردند و هر یک از آنچه از عیب و هنر دانستند، باز نمودند. آخر الامر، موضع قنقروالانگ (قنقوراولونک) اختیار کردند که بیلاقی به غایت منتره است و قرای بسیاری در حوالی آن و مرغزارهای بسیار...». (حافظ ابرو ۱۳۵۱، ۶۷)

طبق نوشته اکثر مورخان از جمله حمدالله مستوفی، حافظ ابرو، شمس‌الدین محمد آملی، و صاف و... منطقه سلطانیه و بالاخص چمن سلطانیه در دوره مغول تا زمان سلطنت ابوسعید به قنقروالانگ معروف بوده است. بر اساس گفته حافظ ابرو به نقل از سلطان اولجایتو، انتخاب محل سلطانیه یا قنقروالانگ به دنبال مشورتی انجام شده که با جماعتی از اطرافیان داشت است؛ «حاضرین هر یک را آنچه از عیب و هنر دانستند، باز نمودند». با تصویب قنقروالانگ، ارغون «فرمان فرمود تا طرح شهر برکشیدند».



تصویر (۱۲): سلطانیه، طرح لوئی دوپو
(کیانی ۱۳۶۶، ۱۷۶)



تصویر (۱۱): سلطانیه، تصاویر سفرنامه فلاندن، آرشیو موزه آذربایجان



تصویر (۱۰): سلطانیه، تصاویر سیاحتنامه شاردن، آرشیو موزه آذربایجان



تصویر (۱۴): سلطانیه، طرح دوکوتزبونه (همان جا)



تصویر (۱۳): گنبد و بناهای مجاور آن، طرح لوئی دوپو (همان جا)

در این قسمت، به یکی از اساسی‌ترین مفاهیم شهرسازی ایلخانی که در بیشتر شهرهایی که به دستور شاه ساخته شده، می‌توان آثار آن را مشاهده کرد. یعنی با طرح از پیش اندیشیده و تعیین شده آن می‌توان پی برد که این موضوع را به وضوح در بافت هندسی شهرها می‌توان ملاحظه کرد.

ساختمان شهر سلطانیه بر اساس نقشه‌ای از پیش طرح شده و بر مبنای شهرهای سنتی ایران شروع شده بود. این منطقه با تمام نیازهای زندگی مغولان سازگاری داشت (اشپولر ۱۳۸۴، ۵۷) و در دوره ارغون، جزو مناطق ویژه و توقفگاه‌های مطلوب چادرنشینان مغول به شمار می‌آمد. انگیزه دیگری که در ساخت شهر سلطانیه گفتنی است، تفکر به یادگار گذاشتن نام نیکو و حیات جاودانی از طریق ساخت بناهای ماندگار بود. (حمزلهو ۱۳۸۱، ۴۴)

در شروع ساخت شهر قنقره‌اولانگ، سنت فرم‌گیری شهرهای ایران از چشم معماران و مهندسان آن دوره پوشیده نبوده است. آن‌ها می‌دانستند که یک شهر نیاز به یک کهنه‌دژ یا قلعه دارد، لذا قلعه‌ای در دل شهر بنیاد نهادند.^{۲۰} این شهر دارای یک حصار بیرونی و یک دژ مستحکم و قلعه درونی^{۲۱} بود. (بلر ۱۳۸۲، ۱۵) بر اساس توضیح ابرو، متوجه اهمیت هندسه و رعایت آن در معماری و بناهای ایلخانی می‌شویم، زیرا همان‌طور که او اشاره کرده، قلعه از مربعی شکل می‌گیرد که به طور مساوی تقسیم می‌شود؛ این مسئله، نشانگر اهتمام مغولان به رعایت نظم و هندسه در معماریشان بوده است.

ابوالقاسم کاشانی - مورخ دو دهه نخست قرن هشتم هجری (معاصر الجایتو) - می‌نویسد: «ابواب البری مشتمل بر چند مواضع عالی از مدارس و خانقاه و دارالشفای و دارالضیافه و دارالحفاظ و غیر هم تا نوزده عمارت به عدد حروف...» (۱۳۴۸، ۴۸)

حافظ ابرو می‌گوید: «سلطان الجایتو از برای مدفن خود در اندرون عمارتی ساخته است و آن را ابواب البر نام نهاد و گنبدی مئمن بزرگ عالی که قطر آن شصت گز است در غایت تکلف و ارتفاع آن، صد و بیست گز چنان که در اقصی بلاد عالم مثل آن عمارتی عالی نشان نمی‌دهند... و متصل آن گنبد، چند عمارت عالی ساخته است. مسجدی به تکلف و دارالضیافه و دارالسیاده و موقوفات بسیار بر آن وقف کرده و سرای به جهت خاصه خود در اندرون قلعه ساخت، چنان که صحن^{۲۲} سرا را صد درصد نهادند و صفت^{۲۳} عالی بر مثال ایوان کسری و دوازده سراچه در حوالی آن متصل سرا، از هر یک پنجره دری به صحن سرای بزرگ گشوده و صحن آن را از سنگ مرمر فرش انداخته و دیوان خانه بزرگ که دو هزار آدمی در آن گنجد و آن را کریاسی^{۲۴} نام کرده‌اند و غیر اینها که ذکر کرده شد، پادشاه و امراء عمارت بسیار در اندرون قلعه کرده‌اند.» (۱۳۵۱، ۶۹)

در کتاب *نقائس الفنون می‌خوانیم*: «... گرد آن، بارویی مربع شکل ساخته... الجایتو برای مرقد خود گنبدی بس عالی... و در حوالی آن، ابواب خیر از جامع و خانقاه و مدارس و دارالسیاده و دارالضیافه که هرگز مثل آن در جهان کس ندیده و نشنیده، بفرمود...». (املی ۱۳۷۹، ۲۹۵-۲۹۶)

از مجموع گفته مورخان، چنین نتیجه گرفته می‌شود که دوازده مورد از فضاهای این مجموعه عبارت‌اند از: گنبد سلطانیه، مدارس، دارالشفاء، دارالضیافه، دارالحفاظ، دارالسیاده، مساجد، خوانق، دارالقرآن، دارالحديث و بنای کرباسی. علاوه بر این، بناها، سرای مخصوص و دوازده سراچه دیگر را هم باید نام برد.

حافظ ابرو در ذیل جامع *التواریخ رشیدی* در «ذکر عمارت شهر سلطانیه و بنای قلعه آن» از خانقاه سلطانیه اسم برده است. (حافظ ابرو ۱۳۵۱، ۲۳۳) «در اینجا قریب هزار خانه بوده و عمارتی عالی، دو مناره بزرگ که بر دو طرف ایوان آن و در عمارت مدرسه و دارالشفاء و خانقاه هر یک با موقوفات بسیار و تاکنون (یعنی زمان حافظ ابرو) بعضی از آن عمارت باقی است». (مرتضوی ۱۳۷۰، ۳۱۸) خانقاه از عناصری در دوره ایلخانی است که بسیار سریع مورد توجه حکام و حکومت‌ها قرار می‌گیرد تا جایی که شاهدیم در تمامی شهرهای جدید التأسیس، ساخت خانقاه نیز در دستور کار قرار دارد.

شهر سلطانیه که پایتخت و مرکز تجارت و سیاست ایلخانان مغول بوده، نیاز به محله‌ها، خیابان‌ها، میدان‌های متعدد، بازار، مسجد جامع، مدرسه و... داشته است. کلاویخو، عضو هیئت سه نفره سفارشات در دربار امیر تیمور، در سفرنامه خود که بعد از سال ۸۰۹ هـ ق / ۱۴۰۶ م نوشته، اطلاعات ذی‌قیمتی از بافت شهر سلطانیه را در اختیار می‌گذارد. وی می‌نویسد: «شهر سلطانیه در دشتی است و از میان آن‌ها کانال‌های بسیاری پر از آب می‌گذرد. در آنجا خیابان‌ها و میدان‌های زیبا که در آن‌ها کالاهای بسیار برای فروش عرضه شده است، وجود دارد. در همه محلات، مهمان‌خانه‌هایی برای آسایش بازرگانانی که به آن شهر می‌آیند، دیده می‌شود». (کلاویخو ۱۳۶۶، ۱۷۰) در این بخش، کلاویخو به وجود کاروانسراها اشاره می‌کند و از وجود فضاهای باز بزرگی که وی آن‌ها را «میدان» می‌نامد، خبر می‌دهد. با قبول سخنان کلاویخو، این تصور پیش می‌آید که خیابان‌بندی‌های شهر از روی اسلوب و هماهنگی ارک سلطانیه و با یک شبکه هندسی دقیق طرح‌ریزی شده است. با توجه به روایات باقیمانده از مستحذات جلوی دروازه ارک می‌توان ادعا نمود که یکی از معتبرترین خیابان‌های شهر در راستای این دروازه قرار داشته است. (کی‌نژاد و اسکویی ۱۳۹۰، ۱۶۱)

در پیشگاه دروازه و به احتمال زیاد در کنار معبر مذکور، خواجه تاج‌الدین علی‌شاه، عمارتی مجلل به نام بهشت بنا کرده بود (کیانی ۱۳۶۶، ۵۵۵) که بنا بر تاریخ الجایتو: «بر پیشگاه قلعه عمارتی خلدآیین بنا افکنده، سقف آن همه مفضض و در و دیوار آن به زر طلای و در و گهر مرصع و سطوح صحن آن از لعل و جواهر و فیروزه ملمع و از عود و ساج و زر و آبنوس و عاج تختی مرصع، در شاه صفحه گسترده منقش مرصع مفضض که اشکال تماثل و تصاویر و تعاریج آن در زبان کلک و بیان قلم‌نگیند و دیده از رشک آن سر شک معصغری بر گلگونه مزعفری ریزان...». (کاشانی ۱۳۴۸، ۴۷) کاشانی در جای دیگر می‌نویسد: «از غایت خوشی و خرمی، نام آن بهشت نهاده...». (همان، ۱۷۸)

از بناهای دیگر این معبر، ایوان سلطان ابوسعید است. (حافظ ابرو ۱۳۵۱، ۲۹۸) نکته قابل توجه این است که بناهای عمومی و همچنین ساختمان‌های مهم شهر با استناد به متون تاریخی، در کنار معبر اصلی قرار داشتند. این معبر که نقش مهمی در ایجاد بافت شطرنجی شهر یا به بیانی دیگر، سازمان بخشیدن به سایر عناصر و فضاهای شهر دارد، از دروازه ورودی شهر شروع می‌شد و عموماً تا دروازه دیگر امتداد داشت.

بنا بر دستور سلطان محمد خدابنده، «امرا و وزرا و ملوک و سلاطین و ارباب اعمال و اصحاب اشغال هر یک به قدر مکنّت و اندازه طاقت و پایه منزلت و مرتبت در عرصه حلقه شهر حوالی قلعه دور متسع و قصور مرتفعه و ایوان‌های کسروی و طارم‌های خسروی» (کاشانی ۱۳۴۸، ۷۸) ساختند و به دستور خواجه رشیدالدین، وزیر اولجایتو، در شهر سلطانیه محله‌ای ساختند «چنان‌که در آنجا قریب هزار خانه بوده و عمارتی عالی و دو مناره بزرگ بر دو طرف ایوان آن و در آن عمارت مدرسه، دارالشفاء و خانقاه...» (حافظ ابرو ۱۳۵۱، ۶۹) و برای نگهداری ابنیه مذکور موقوفات بسیاری را تعیین فرموده بود. به گفته ابرو، بعضی از این ابنیه تا قرن نهم هجری وجود داشته است. (همان،



تصویر (۱۵): سلطانیه (نصوح مطراقچی ۱۳۷۹، ۹۱)



تصویر (۱۶): سلطانیه (همان‌جا)

مطالعه معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲ - پاییز و زمستان ۹۱

۷۰) در مدرسه، دارالشفاء و خانقاه خواجه رشیدالدین، مدرسان و طلاب و اطبا مشغول بوده (خواندمیر ۱۳۳۳، ۴۲۸) و بنا بر گفته میرخواند از موقوفات مذکور استفاده می کرده‌اند. به گفته حافظ ابرو «دارالشفایی دیگر با اطبا و ادویه و مجموع مایحتاج و مدرسه عالی به نمونه مستنصریه بغداد» به دستور اولجایتو ساخته شد. (حافظ ابرو ۱۳۵۱، ۶۹) فضای آموزشی همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، به عنوان عناصر فضایی کاملاً مهم در شهرها مطرح می‌شوند. از این میان، دارالشفاء (مدارس و اماکن پزشکی) و خانقاه (اماکن مذهبی برای تهذیب نفس) بسیار پررنگ‌تر در شهرها رونق می‌یابند و بازار^{۲۵} به عنوان یکی از معابر شهر و حتی شاید از مهم‌ترین آن‌ها محسوب می‌شود که در میان محله‌های شهر حرکت می‌کند.

۱-۳-۱. سازمان فضایی شهر سلطانیه

به طور کلی، در مورد سازمان فضایی سلطانیه با استنباط و تحلیل از متون تاریخی، می‌توان طبقه‌بندی زیر را انجام داد که سلطانیه نیز مانند دیگر شهرها و مجموعه‌های ابواب البر، از دو بخش «هسته» و «شهرستان» تشکیل شده و سایر عناصر در تقسیم‌بندی، از اهمیت و جایگاه پایین‌تری نسبت به این دو قرار دارند.

– هسته اصلی شهر، قلعه‌ای بوده (مربعی) که عنصر سازمان‌دهنده شهر محسوب می‌شده است.

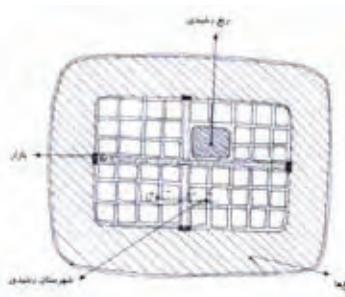
– شهرستان، دیگر عنصر مهمی بود که پیرامون این قلعه شکل گرفته بود.

– دسترسی‌ها و محورهای ارتباطی در طول و عرض شهر، به صورت عمود بر هم و از قبل طراحی و برنامه‌ریزی شده، به شهر نظم هندسی بخشیده بودند. مهم‌ترین این محورها معبری، در راستای دروازه و ارگ بود.

– بازار نیز به عنوان یک محور خطی و اصلی در شهر مطرح بوده که محلات گوناگون و همچنین عملکردها و عناصر شهری عمومی از قبیل کاروانسراها پیرامون این عنصر شکل گرفته بودند. (کی‌ژاد و اسکویی ۱۳۹۰، ۱۶۶)

ویژگی‌های شهرهای ابواب البر ایلخانی

نام	حدود زمانی احداث	بانی	مساحت	عملکرد فضاها و عناصر شهری	سازمان فضایی ابواب البر بر اساس متون	شکل کلی ساختار شهر
شنب غازان	پایه‌ریزی در سال ۶۹۷ هجری و عملیات ساخت در قرن هفتم هجری قمری	غازان خان	-	مقبره غازان خان، مسجد جامع، مدارس، دارالسیاده، رصدخانه، حکمیة، دارالشفاء، بیت الکتب، بیت القانون، بیت المتولی، حوض خانه، گرمابه سیبل، کوشک و باغی اعلا مرسوم به عادلیه	سازمان فضایی شهر متشکل از: هسته مرکزی و شهرستان بوده و محور «بازار غازانی» در امتداد دروازه بغداد بوده که در جایگیری و طراحی عناصر داخلی شنب مؤثر بوده است.	
ربع رشیدی	قرن هفتم هجری قمری	خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی	۱۳ هکتار که تا به امروز باستان‌شناسی شده است.	قبه (مقبره خواجه)، روضه، خانقاه، دارالشفاء، دارالضیافه، بازار، مصلی، مدارس، دارالحفاظ، دارالکتب، بیت‌التعلیم ایتام، دارالمصاحف و کتب‌الحدیث، قیصریه، حمام، مساجد، کارخانه کاغذسازی، رنگ‌سازی، کاروانسراها، باغ‌ها، انبارها، ضرابخانه و گازرگاه و...	سازمان فضایی شهر متشکل از: «ربع» و «شهرستان» بوده و دو محور عمود بر هم محور بازار و «همر بزرگ» محورهای قوی سازمان‌دهنده در شهر بوده و سبب به‌وجود آمدن بافتی منظم شده اند.	
سلطانیه	محل سکونت طایفه ساکاریت‌ها در قرن هشتم قبل از میلاد و ساخت اصلی در قرن هشتم هجری قمری	طرح‌ریزی اولیه توسط ارغون و اقدامات اصلی طراحی و ساخت توسط الجایتو	بر اساس متون تاریخی محیط پیرامونی شهر ۳۰ هزار گام	آرامگاه الجایتو (گنبد سلطانیه)، قلعه شامل یک دروازه و شانزده برج، مدارس، دارالشفاء، دارالضیافه، دارالحفاظ، دارالسیاده، مساجد، خوانق، دارالقرآن، دارالحدیث، بنای کریاسی، سرای مخصوص، حمام‌ها، کاروانسراها، هشت بهشت، عمارات عالی از جمله چلی اغلو و...	سازمان فضایی شهر متشکل از: دو بخش «هسته» و شهرستان تشکیل شده و دسترسی‌ها و محورهای ارتباطی در طول و عرض شهر، به صورت عمود بر هم و از قبل طراحی و برنامه‌ریزی شده، به شهر نظم هندسی بخشیده بودند. بازار نیز به عنوان یک محور خطی و اصلی در شهر مطرح بوده است.	



تصویر (۱۷): شهر سلطانیه ترسیم نگارندگان

مطالعه معماری ایران
دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲ - پاییز و زمستان ۹۱
۵۷

۴-۱. تحولات شهرسازی در دوره ایلخانی با استنباط از متون تاریخی

پس از حمله مغول‌ها به ایران و ویران کردن بسیاری از شهرهای آن، معماری این مرز و بوم که کم‌کم به رشد و شکوفایی می‌رسید و در عرصه‌های مختلف شهرسازی نیز تجربیات و موفقیت‌های چشم‌گیری به دست آورده بود، به یک باره با خاک یکسان شد.

اما پس از اینکه مغولان بر مسند قدرت تکیه زدند، به فکر جبران این خرابی‌ها و آباد کردن دوباره ایران افتادند. تمرکز و علاقه آنان بیشتر به ساخت شهرهای جدید و به وجود آوردن مجموعه‌های نوساخته بود تا بازسازی شهرها و مناطق ویران شده. شاید دلیل آن را بتوان در دو مسئله جست‌وجو کرد: از سویی همچنان که غارتگری و ویران کردن، یک نوع امتیاز و شهرت برای آنان به حساب می‌آمد؛ ساخت و ساز نیز خود، نوعی اشتهار را به همراه داشت. از سویی دیگر، قوم مغول، کوچ‌نشینان و چادرنشینانی بودند که به این فرهنگ عادت داشتند و این نوع زندگی در تمام وجوه حکومتشان به چشم می‌خورد. از ویژگی‌های این فرهنگ، نخست حرکت و سکنی گزیدن در جاهای مختلف است. دومین ویژگی که شاید از اولی مؤثرتر در این مسئله ظاهر می‌شود، علاقه آنان به دشت‌های خرم خوش آب و هوا و خوش‌منظر بود. تا زمان حکومت



تصویر (۱۸): شکل به خوبی نوع زندگی مغولان، چادرها و ارايه‌های آن‌ها را نشان می‌دهد. (بیرا ۱۳۷۰، ۲۳)

خوش آب و هوا و خوش‌منظر بود. تا زمان حکومت ارغون، کوشش عمده ایلخانان، سرکوب مدعیان و تحکیم سلطنت بود و می‌توان گفت فرصتی برای ساخت و ساز و زدودن زنگار زشت ویرانی وجود نداشت. روند شهرسازی بیشتر از زمان هولاکوخان و از مراغه آغاز شد که توسط غازان خان به تبریز-غازانیه و ربع رشیدی تسری یافت و سرانجام در سلطانیه و در زمان حاکمیت اولجایتو به اوج شکوفایی خود رسید.

هولاکو پس از ویرانگری‌های پیشین دریافت که شناخت هویت سیاسی اجتماعی حاکمیتش با رشد فعالیت‌های عمرانی، عملی خواهد شد. هولاکوخان دستور داد تا تعدادی از شهرهای ویران شده مانند خبوشان (قوچان) را عمارت کنند و برای خود او نیز کاخی زیبا بسازند. سپس دستور داد با صرف مبالغی هنگفت، رصدخانه‌ای در مراغه بسازند. در واقع، ساخت رصدخانه مراغه، آغاز حرکت معماری در دوره ایلخانی به شمار می‌رود. (سمرقندی ۱۳۸۲، ۳۷۹) یکی از مسائلی که در این دوره بسیار رونق یافت، ساخت مجموعه‌ها و شهرک‌های اقماری است که عموماً رویکردی مذهبی داشتند. البته با توجه به شهرک‌هایی که به تدریج از اوایل قرن اول میلادی تا اواخر قرن ششم میلادی و بر اساس نیاز در اطراف شهر تیسفون ایجاد شدند و در نتیجه هفت شهر مداین را تشکیل داد، می‌توان گفت که ایده ایجاد فضای زیستی یاری رساننده به کلان شهری چون پایتخت، قبل‌ها نیز وجود داشته، ولی باید دقت کرد که فلسفه وجودی رونق این شهرها در این عصر با دوره‌های قبل متفاوت بوده و بیشتر بُعد مذهبی - علمی در آن‌ها تبلور داشته است.

همچنین در این دوره، توجه به محدوده شهر اهمیت یافت. امرا و حکما با ساختن برج و بارو به دور شهرها در سامان‌دهی سیاسی اجتماعی فضایی داخل شهرها همت فراوانی نمودند. نکته‌ای که در اینجا قابل تأکید است، دقت به نظم حیطة‌های شهری و وحدت بخشیدن به آن‌هاست. در این خصوص، قرار گرفتن حمام‌ها و کاروانسراها در مدخل شهر، محوری بودن جاده اصلی و قرار گرفتن بازارها و معابر مهم در امتداد آن را می‌توان نام برد. هر چند که شهر حول اماکن مذهبی شکل می‌گرفت، ولی ساختن کاخ‌ها و بناهای مهم رونق یافت.

توجه به مذهب در دوره‌های قبلی نیز وجود داشت، اما این مسئله در دوره ایلخانی بیشتر جلوه نمود و ساختمان‌های مذهبی زیادی در این دوره ساخته شدند. یکی از مهم‌ترین تحولاتی که در این دوره رخ داد، افزایش گرایش‌های مذهبی در میان حکام بود. ساخت مساجد، مدارس، زیارتگاه‌ها و مقابر بر ساخت و سازهای تزئینی و کاخ‌سازی رجحان داده شد و گونه جدیدی از فضاها شهری که بیشتر با همین گرایش در شهرهای دوره ایلخانی برای اولین بار شکل گرفت، دارالسیاده‌ها^{۲۶} بودند. این فضاها برای اولین بار در شب غازان و سلطانیه به وجود آمدند. گسترش

مقابر نیز در این دوره مشهود است. برخلاف دوره‌های پیشین که بیشتر با تک‌مقبره‌ها مواجهیم، در شهرسازی ایلخانی مجموعه‌ای منظم و سازمان‌دهی شده داریم که مقبره، بخشی از آن را تشکیل می‌دهد، به طوری که مقبره با محیط اطراف خود تعریف می‌یابد.

گرچه سابقه وقف در اسلام طولانی است، این اولین باری بود که یک مجموعه کامل موقوفاتی با این عظمت و گستردگی به وسیله پادشاه پدید می‌آمد. یکی از تحولات دیگری که در شهرسازی صورت گرفت، تغییر محور شهرسازی و گسترش آن بود. سابقاً محور این اصلاحات شهری، محل سکونت امرا و مکان کاخ‌های آنان بود، اما در این دوره، رویکرد مذهبی و یا علمی - مذهبی بود که به توسعه و گسترش شهرها سمت و سو می‌داد. مهم‌ترین پروژه‌ای که در این دوران طلایی شکوفایی معماری و شهرسازی ایران - البته این بار نه با توجه و همت ویژه غازان، بلکه با تدبیر یکی از وزیران نامی و فرهیخته‌اش به نام خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی - ساخته شد، مجموعه ربع رشیدی بود. این بار وقف برای تشویق و ترغیب عالمان به گسترش علوم مورد استفاده قرار گرفت. فلسفه وجودی و همچنین وسعت و گستردگی آن سبب شد که از آن نه تنها به عنوان اولین شهرک دانشگاهی ایران و جهان نام ببرند، بلکه با گذشت قرن‌ها از ساخت این مجموعه، همچنان نظیر و رقیبی برای آن وجود نداشته باشد. پس از به قدرت رسیدن اولجایتو، وی دستور داد که بنای شهر سلطانیه - برای انتقال پایتخت از تبریز - آغاز گردد. اولجایتو با این کار، یکی از آرزوهای پدرش، ارغون خان را به مرحله اجرا گذاشت. ارغون، شهر جدید را طرح‌ریزی کرده و دستور داده بود که مصالح ساختمانی در آنجا گردآوری شود، ولی قبل از آغاز ساخت فوت شده بود. بدین ترتیب به دستور اولجایتو، ارگی با شانزده برج سنگی و چندین مسجد که مهم‌ترین آن‌ها - که آرامگاه خود اولجایتو است - با مرمر و چینی تزئین شده بود، احداث گردید. وی کم‌کم سلطانیه را به شهری کامل تبدیل کرد و تلاش بسیاری نمود تا آن را گسترش دهد و مقبولیت عام برای آن فراهم آورد. هر چند در این راه، گام‌های مهمی برداشت، اما سلطانیه هرگز تبریزی نو نشد و نتوانست شهرت، مقبولیت و گستردگی تبریز را به دست آورد و پس از مرگ اولجایتو رو به انحطاط نهاد و تبدیل به یک خرابه متروکه گردید که فقط آرامگاه مجلل بر فراز دشت سلطانیه از آن باقی ماند. یکی از معایب مکان‌یابی سلطانیه، قرار نداشتن در مسیر یا تقاطع راه‌های تجاری بود. به ظاهر اولجایتو از این مطلب آگاه بود و به طرق مختلف تلاش می‌کرد این شهر به صورت یک مرکز و محور تجاری درآید. اما دور بودن این شهر از محور تجاری و همچنین فاصله آن با جاده ابریشم باعث شد که چند سال پس از تعیین آن به عنوان پایتخت - پس از مرگ اولجایتو - سریعاً رو به انحطاط رود.

نتیجه‌گیری

سازمان فضایی شهرهای ابواب البر بر اساس متون تاریخی معتبر، شامل دو قسمت کلی «هسته مرکزی» و «شهرستان» بودند که با یک ساختار هندسی منظم و طرحی از پیش اندیشیده شده، شکل گرفتند. هسته مرکزی شهرهای ابواب البر مقبره بانی بود که جنبه مذهبی آن با عملکرد فرهنگی - آموزشی نیز تلفیق گردید. در این شهرها به هسته مرکزی، بیشتر پرداخته شده و در عین وجود کاربری‌های مختلف، این کل منسجم به خوبی با شهرستان تلفیق شده بود.

«شهرستان» این شهرها از محله‌های مختلف، تشکیل یافته بود و عناصر مهم شهری مانند بازار، قیصریه، حمام‌ها، مساجد، ضرابخانه، گازرگاه و... در آن قرار داشته‌اند. بافت این شهرها دارای نظم هندسی بوده و به شکل بافت شطرنجی و پیرامون دو محور اصلی، طراحی شده بود. راه‌ها از منظر طراحی فضایی، در پیوندی استوار با فضاهای کالبدی مجاور بوده و ماهیت فضایی‌شان از فضاهای مزبور مستقل و جدا نبوده است. استقرار فضاها و فعالیت‌ها در شهرها، تابع نظم و سلسله مراتب سنجیده شده متناسب با نیازهای اجتماعی (مادی و معنوی) شهروندان بود و تمامی فضاها از لحاظ کارکردی غالباً کالبد مناسبی را جهت زندگی مطلوب (بودن در محیطی با معنا برای فعالیت شایسته) فراهم نموده بودند.

هندسه شهرهای ایلخانی و به‌ویژه شهرهای مهم به گونه‌ای بود که فضاهای شهری در امتداد خیابان‌های طولی

و عرضی عمود بر هم که به سان یک صفحه شطرنجی در سطح شهر گسترده بودند، شکل می‌گرفتند. در اطراف این شبکه، راه‌ها و همچنین پیرامون شهر نیز جهت محدود کردن و به نوعی شکل دادن به شهر و همچنین زیبا کردن منظر شهری باغ‌ها را پدید می‌آوردند. لذا راه‌ها و باغ‌ها^{۳۷} به عنوان اجزای لاینفک و اجتناب‌ناپذیر شهر ایلخانی مطرح بودند. علاوه بر باروی شهر، باغ‌های اطراف، آن‌ها را به شکل باغ شهری درآورده و حدود خارجی‌شان را محصور کرده بودند.

چهارچوب این شهرها را محورهای منتهی به دروازه‌ها تشکیل می‌داد. بازار نیز که در امتداد یکی از این محورها، کل شهر را از دروازه‌ای تا دروازه دیگر می‌پیمود، به عنوان یک محور خطی و اصلی در شهر مطرح بوده که محلات گوناگون و همچنین عملکردها و عناصر شهری عمومی از قبیل کاروانسراها و... پیرامون این عنصر شکل گرفته بودند.

پی‌نوشت‌ها

۱. رسم پادشاهان مغول این بوده است که محل دفن آن‌ها مخفی باشد. بیم از نبش قبر توسط بازمانده‌های مقتولان و یا افراد طماع می‌تواند از دلایل آن باشد. در حکایت سیزدهم از تاریخ مبارک غازانی «در ابواب البر که پادشاه اسلام در تبریز و همدان و دیگر ولایات انشا و احداث فرموده و موقوفات و تربت‌های ایشان و خیراتی که نذر کرده» آمده است: «پادشاهان مغول را از اوروغ چنگیزخان رسم و عادات ایشان تا اکنون چنان بوده که مدفن ایشان در موضعی باشد نامعلوم، از آبادانی و عمارت دور چنانکه هیچ آفریده بر آن مطلع نبوده...» (همدانی ۱۳۶۸، ۴۳)

۲. آقای دکتر کیانی در مورد واژه «شنب» معتقدند که «در زبان مغولی به معنی مزار است و این واژه را اولیا چلبی در سیاحتنامه خود از زبان «قیاق»‌ها که در قفقاز نشیمن داشته‌اند، آورده است. بنا بر قواعد صوتی زبان‌های ایرانی چون «نون» و «با» که کنار هم قرار گیرند، به میم تبدیل می‌شوند (همچون دنب= دم، خنب= خم) واژه به رویه «شم» درآمده است. از سوی دیگر، در زبان مردم آذربایگان واژه‌ای به شکل «شام» و «شم» هست که به زمین‌های مسطح و علفزارهای کرانه رودخانه و دریاچه‌ها گفته می‌شود و پیش از وجود شنب غازان، به این بخش از غرب شهر نیز شام وشم می‌گفتند. این دو واژه و اصلاح با هم تلاقی کرده و اینک آنجا را شام غازان و شم غازان و شنب غازان به هر سه صورت می‌نامند».



تصویر (۱۹): سه مینیاتور از قرن چهارم (خوانساری ۱۳۸۳، ۶۲-۶۰)

۳. دوازده مینیاتور از قرن چهارم میلادی به جای مانده (خوانساری ۱۳۸۳، ۶۰-۶۲) که از میان آن‌ها یازده مینیاتور، مناظری بهشتی را نشان می‌دهند که شامل تپه، انواع متنوع گیاهان و آبراهه‌هایی از میان کوه می‌باشد که در زمین‌هایی به رنگ طلایی جاری است. تمامی این تصاویر که نمونه‌ای از آن‌ها را می‌بینید، نشان‌دهنده باغ‌آرایی و باغ‌سازی غنی در این دوران‌اند.

۴. قرارگیری باغ رشیدآباد مجاور دارالشفا، فقط از این مکتوب قابل استناد است.

۵. «دلکش» و «نیکو» دو واژه‌ای هستند که در تمجید بناها در اکثر متون تاریخی این دوره آمده‌اند.

۶. شعرباغ: کسی که از موی یا ابریشم پارچه بافد. شعرباغی: پارچه‌بافی. (فرهنگ دهخدا، ۱۴۴۱)

۷. مراجعه شود به سعیدنیا، احمد: پژوهشی در ربع رشیدی. مجله هنرهای زیبا، شماره‌های ۷، ۱۳۷۹ و ۱۱، ۱۳۸۱.

۸. به فصل چهاردهم از قسم دوم از باب سوم مراجعه شود. برای نمونه «و شرط کرده‌ام که هیچ یک را عورت و عیال در ربع رشیدی نباشد و مجرد در آنجا ساکن باشند و از آن جمله آنک متأهل باشد اهل و عیال ایشان، البته در شهرستان رشیدی مقیم و ساکن باشند جهت خود خانه‌ها بسازند یا به اجرت گیرند.» (ص ۲۲ و ۱۷۰)

۹. در توضیح محلات شهرستان رشیدی در تقسیم‌بندی وقف‌نامه از محله صالحیه به علت اهمیت و نزدیکی به ربع، جداگانه و از بقیه محلات با عنوان سایر محلات یاد شده است و ربض نیز در میان سایر محلات شهرستان

ذکر شده است. (ص ۱۷۲، ۲، س ۵)

۱۰. ص ۱۷۵، ۱، س ۲۷؛ ص ۱۷۵، ۲، س ۲۶ و ص ۱۷۵، ۲، س ۲۲.

۱۱. برای نمونه «غلامان ترک... مسکن ایشان بعضی در ربض بالا و بعضی در ربض زیر». (ص ۱۹۲، ۱، س ۱۴)
۱۲. «ممر ایسر... به طرف دروازه روم شهرستان ممری بریده شده معروف به ممر سرخاب...». (ص ۲۰۶، ۲، س ۴)
«کهریز مشهور به کهریز نزهه... خشک‌وای آن هم در اندرون شهرستان بریده شده تا آنجا که دروازه تبریز و مسجد شهرستان است...». (ص ۲۰۶، ۲، س ۱۹) «کهریز مشهور به کهریز علاءالدین ایضاً، آبدۀ آن در داخل شهرستان به جنب دیوار باغ اصلان می‌رود تا دروازه موغان...» (ص ۲۰۷، ۲، س ۶) و «قنوتی که از جانب یمین رودخانه تبریز می‌آید، در ممری که موسوم است به ممر ایمن که آن از بالای باغچه نی کس جاری شده بر راه جاده کندرو تا نزدیک در باغ فتح‌آباد و دروازه عراق و از آنجا هم بر جاده می‌آید تا پول سنگین که به قرب خانقاه جاندار است...». (ص ۲۰۴، ۱۸)

۱۳. «محلۀ صالحیه، محله‌ای است از محلات شهرستان رشیدی که به ربع رشیدی نزدیک است و یک در کوچه آن در ممر بزرگ ربع رشیدی است که بر بالا می‌روند و یک در دیگر به جانب بازار که به راه دروازه سرخاب می‌روند». (ص ۱۷۲، ۱، س ۵) و «دهلیز بزرگ که آن را ممر بزرگ می‌گویم و از بازار که می‌گذرند، بر آنجا به بالا می‌رسد تا به دروازه ربع رشیدی می‌رسد و متصل است به دروازه مذکور...». (ص ۴۳، ۳، س ۱۳)

۱۴. به باب سوم، قسم دوم، فصل شانزدهم وقف‌نامه و مکتوب ۵۱ و ۵۳ از مکاتیب رشیدی مراجعه شود.

۱۵. «... کهریز مشهور به کهریز علاءالدین ایضاً، آبدۀ آن در داخل شهرستان به جنب دیوار باغ اصلان می‌رود تا دروازه موغان...». (ص ۲۰۷، ۲، س ۶)

۱۶. به باغ فتح‌آباد در صفحات متعدد وقف‌نامه اشاره شده است؛ برای نمونه، می‌توان به صفحه ۲۰۴ سطر ۲۰ و صفحه ۲۰۵ سطر ۱۷-۱۵ مراجعه شود.

۱۷. «... که این ربع رشیدی عبارت از دو موضع است که یکی پیش‌تر بنیاد رفته بود و باروی آن کشیده و آن را درگاهی ساخته که منارها متصل آن درگاه است و یکی دیگر پس‌تر بارو کشیده و اضافه آن بارو اولین کرده و متصل آن گردانیده و دروازه دیگر بیرون آن ساخته و همه به هم یکی کرده و آن مجموع را ربع رشیدی نام نهاده‌ایم». (ص ۴۱، ۵) خانم شیلا بلر در توصیف مجموعه ربع رشیدی و مراحل ساخت و ساز آن این‌گونه نوشته است: «بنا بر وقف‌نامه، اراضی متعلق به بقعه (رقبات آن) از مجاری خیریه (ابواب البر) شامل دو ناحیه بوده است: آنکه در جلو بوده، باروهایی داشته است و آن را دروازه‌ای (درگاه) با مناره‌هایی متصل بدان ساخته بوده‌اند؛ آنکه در پشت (بقعه) بوده، دروازه‌ای دیگر و نیز بارویی داشته است. باروهای جلو و پشت متصل می‌شده و آن دو زمین را به هم می‌پیوسته است. خواجه رشیدالدین، کل این مجموعه را «ربع رشیدی» خوانده است. برج‌های آجری و باروی مدوری که امروز از آن مجموعه به جا مانده است، اگر هم باروهای اصلی نباشد، بارو جایگاه مجموعه اصلی را نشان می‌دهد». (بلر ۱۳۸۷، ۲)

۱۸. ص ۴۲، س ۲۴.

۱۹. ص ۲۰۴، ۸.

۲۰. ساخت قلعه و ارگ علاوه بر اینکه به جنبه حکومتی شهر سلطانیه اشاره دارد، تجلی شهرسازی ایرانی در سلطانیه نیز می‌باشد.

۲۱. بنا بر گفته حافظ ابرو، دستور ساخت این قلعه را ارغون داده است. وی می‌گوید: «بنای قلعه آن از سنگ تراشیده اشارت فرمود». (حافظ ابرو ۱۳۵۱، ۶۹)

۲۲. در تمامی متون از حضور فضای معماری «صحن» سخن به میان آمده است.

۲۳. «صفه» در تمامی متون مربوط به این دوره در معنای ایوان به کار رفته است و فقط در دو مورد به معنای صحن نیز آمده است.

۲۴. کریاس در متون به معنای فضای ورودی آمده است.

۲۵. در شهرهای اسلامی، حضور بازار معمولاً در اطراف مسجد جامع است، اما در مورد سه ابواب البر شنب غازان، ربع رشیدی و سلطانیه این امر صادق نیست، زیرا جهت رونق مجموعه مرکزی، مسجد جامع نه در کناره دروازه بلکه در تلفیق با هسته بوده و همان طور که قبلاً نیز بدان اشاره شد، بازار حضوری فعال در این شهرها داشته، اما ارتباطی مستقیم با هسته مذهبی اصلی نداشته است.

۲۶. مراجعه شود به حکایت هشتم از تاریخ مبارک غزاتی در باب «دوستی پادشاه اسلام در حق خاندان رسول علیه السلام» که می‌گوید: «... همواره جهت سبیل الحجاج مددها می‌فرماید و مزارات خاندان را زیارت کند و نذرها پذیرد و فرستد و سادات را عزیز و محترم دارد و صدقات و ادارات در حق ایشان فرماید و چون خانقاه و مدارس و مساجد و دیگر ابواب البر در هر موضعی می‌ساخت و اوقاف معین می‌فرمود و وظایف و مشاهرات هر طایفه در نظر آورد و فرمود که چگونه است که از آن فقها و متصوفه و دیگر طوایف هست و از آن سادات نیست. از آن علویان نیز واجب است و فرمود تا در تبریز و دیگر ولایات معظم در تمامت ممالک در بلاد معتبر چون اصفهان و شیراز و بغداد و امثالها دارالسیاده سازند تا سادات آنجا فرو آیند و جهت مصالح ایشان وجهی که مصلحت دید به موجبی که وقف نامها به ذکر آن ناطق است، معین فرمود تا ایشان نیز از خیرات او با بهره باشند...».

۲۷. آقای کیانی به حضور باغ در کنار میدان‌های شهرهای ایلخانی معتقد است. البته این فرضیه با توجه به سرابستان در ربع و بخشی از باغ رشیدآباد که قبلاً جلوی ورودی ربع بوده است، در مورد ربع رشیدی قابل بررسی می‌باشد.

منابع

- آملی، علامه شمس‌الدین محمد بن محمود. ۱۳۷۹. *نفائس الفنون فی عرایس العیون*. تصحیح ابراهیم میانجی. تهران: اسلامیة.
- آیتی، عبدالمحمد. ۱۳۷۲. *تحریر تاریخ و صاف*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ابن بزاز اردبیلی. ۱۳۷۳. *صفوة الصفا* (در ترجمه احوال و اقوال و کرامات شیخ صفی‌الدین اسحق اردبیلی)، مقدمه و تصحیح غلامرضا مجد. بی‌جا: بی‌نا.
- ابن بزاز اردبیلی. ۱۹۱۱. *صفوة الصفا*. به کوشش احمد بن کریم تبریزی. بمبئی: بی‌نا.
- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله. ۱۳۵۹. *سفرنامه ابن بطوطه*. ترجمه محمدعلی موحد. ج ۱ و ۲. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اشیولر، برتولد. ۱۳۸۴. *تاریخ مغول در ایران*. ترجمه محمود میرآفتاب. تهران: علمی و فرهنگی.
- اقبال آشتیانی، عباس. ۱۳۷۸. *تاریخ ایران پس از اسلام (از صدر اسلام تا انقراض قاجاریه دوره پهلوی)*. تهران: نامک.
- بلالی اسکویی، آزیته، کی‌نژاد، محمدعلی و نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۸۹. طرح فرضی ربع و شهرستان رشیدی. صفحه (۵۰): ۵۱-۷۷.
- بلر، شیلا. ۱۳۸۲. *هنر و معماری اسلامی در ایران و آسیای مرکزی دوره ایلخانیان*. ترجمه هاشمی گلپایگانی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بلر، شیلا. ۱۳۸۷. *معماری و جامعه در دوره ایلخانی: تحلیلی درباره وقف‌نامه ربع رشیدی*. ترجمه مهرداد قیومی بید هندی. *گلستان هنر* (۱۳): ص ۴۸-۷۳.
- بیرا، شاگدارین. ۱۳۷۰. *تاریخ سری مغولان*. پیام یونسکو (۲۳۲): ص ۴۸-۲۰.
- جوادی، شفیق. ۱۳۵۰. *تبریز و پیرامون*. بنیاد فرهنگی آذربایجان، تبریز.
- حافظ ابرو، نورالله عبدالله بن لطف الله بن عبدالرشید البه‌دائینی. ۱۳۵۱. *ذیل جامع التواریخ رشیدی شامل وقایع*. به اهتمام دکتر خانابایانی. تهران: انجمن آثار ملی.
- حمزه‌لو، منوچهر. ۱۳۸۱. *هنرهای کاربردی در گنبد سلطانیه*. تهران: ماکان.

- خوانساری، مهدی. ۱۳۸۳. *باغ ایرانی، بازتابی از بهشت*. تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
- خواندمیر، غیاث‌الدین. ۱۳۳۳. *تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد البشر*. ج ۳. زیر نظر محمد دبیر سیاقی. تهران: کتابخانه خیام.
- دیولافو، مادام ژ. ۱۳۶۱. *سفرنامه*. ترجمه و نگارش فرهوشی. تهران: کتابفروشی خیام.
- دهخدا، علی اکبر. ۱۳۶۷. *لغت نامه دهخدا*. زیر نظر محمد معین. تهران: دانشگاه تهران.
- سعیدنیا، احمد. ۱۳۷۹. *پژوهشی در ربع رشیدی*. هنرهای زیبا (۷): ۴۹-۶۰.
- سعیدنیا، احمد. ۱۳۸۱. *بازآفرینی شهرستان رشیدی*. هنرهای زیبا (۱۱): ۲۹-۴۱.
- سمرقندی، دولت‌شاه. ۱۳۸۲. *تذکره الشعراء*. به اهتمام و تصحیح ادوارد براون. تهران: اساطیر.
- شاردن، ژان. ۱۳۷۴. *سفرنامه شاردن*. ترجمه اقبال یغمایی. ج ۲. تهران: توس.
- شهاب‌الدین عبدالله بن عزالدین فضل‌الله شیرازی (وصاف). ۱۲۶۹. *تاریخ وصاف یا وصاف الحضرة*. به اهتمام محمد مهدی اصفهانی. بی‌جا: بی‌نا.
- قاجار، نادر میرزا. ۱۳۷۳. *تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز*. به اهتمام طباطبائی مجد. تبریز.
- کارنگ، عبدالعلی. ۱۳۵۱. *آثار باستانی آذربایجان (آثار و ابنیه تاریخی شهرستان تبریز)*. تبریز: انجمن آثار ملی.
- کاشانی، ابوالقاسم عبدالله. ۱۳۴۸. *تاریخ اولجایتو*. به اهتمام مهین همیلی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- کلاویخو. ۱۳۶۶. *سفرنامه کلاویخو*. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: علمی و فرهنگی.
- کیانی، محمد یوسف. ۱۳۶۶. *شهرهای ایران*. ج ۱-۴. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کی‌نژاد، محمد علی و بلالی اسکویی، آریتا. ۱۳۹۰. *بازآفرینی ربع رشیدی بر اساس متون تاریخی*. تهران: نشر آثار هنری متن (فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران).
- مستوفی قزوینی، حمدالله بن ابی بکر. ۱۳۶۲. *تاریخ گزیده*. به اهتمام عبدالحسین نوایی. تهران: امیرکبیر.
- _____ . ۱۳۷۸. *نزهة القلوب*. تصحیح و تحشیه دکتر محمد دبیر سیاقی. تهران: طه.
- مشکور، محمدجواد. ۱۳۷۲. *تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم*. تهران: انجمن آثار ملی.
- مینورسکی، ولادیمیر. ۱۳۳۷. *تاریخ تبریز*. ترجمه و تحشیه عبدالعلی کارنگ. تبریز: کتابفروشی تهران.
- نصوص مطراچی. ۱۳۷۹. *بیان منازل*. ترجمه و تعلیق رحیم رئیس‌نیا. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- ویلبر، دونالد. ۱۳۶۵. *معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانیان*. ترجمه عبدالله فریار، تهران: علمی و فرهنگی.
- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله. ۱۳۶۸. *تاریخ مبارک غازی (داستان غازان خان)*. تصحیح و اهتمام کارل یان اصفهان: پرسش.
- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله. ۱۹۴۵م. *مکاتبات رشیدی*. گردآوری محمد ابرقوهی. به اهتمام محمد شفیق. لاهور: دانشگاه پنجاب.
- _____ . ۱۹۵۷م. *جامع التواریخ*. به سعی و اهتمام عبدالکریم علی اوغلی عزیزاده. باکو: فرهنگستان علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان.
- _____ . ۱۳۵۶. *وقفنامه ربع رشیدی*. چاپ حروفی. به اهتمام مجتبی مینوی و ایرج افشار. تهران: انجمن آثار ملی.